

جغرافیای تاریخی جزیره خارگ با تکیه بر معرفی آرامگاهها و بناهای مذهبی دوره تاریخی

ایمان قربانی^۱

مسلم رضایی^۲

چکیده

اشکانی و ساسانی بوده است ولی مادها به این جزیره رفت و آمد نداشتند، زیرا دولت ایلام بر خلیج فارس حکومت میکرد و قدرت زیادی در منطقه داشت و سیطره قدرت آن تا حاشیه خلیج فارس و جزایر آن و حتی جزیره خارگ بود. اما با قدرت زیادی که مادها داشتند هیچگاه برای تسلط بر حاشیه خلیج فارس و جزایر آن اقدامی انجام ندادند. این رانیز باید افزود که دولتهای مختلف از جزیره خارگ استفادههای گوناگونی میکردند. بدلیل وجود منابع آب زیرزمینی این جزیره میتواند بعنوان تأمین کننده آب کشتیهای نظامی و تجاری مورد استفاده قرار گرفته باشد.

موقعیت جغرافیایی جزیره خارگ

خارگ، جزیره مشهور خلیج فارس، در حدود ۵۷ کیلومتری شمال غربی بوشهر و ۳۰ کیلومتری غرب بندر ریگ و ۳۵ کیلومتری غرب بندر گناوه واقع گردیده و از لحاظ تقسیمات کشوری جزء استان بوشهر و از توابع همین شهرستان است (امانی، ۱۳۸۹: ۵). این جزیره نیز تا آبادان ۲۸۰ کیلومتر فاصله دارد (آل احمد، ۱۳۶۱: ۱۴۲). خارگ دارای ۸ کیلومتر طول (شمال - جنوب) و ۴ کیلومتر عرض میباشد و در حدود یک میلیون سال پیش در اثر حرکات و فشارهای تحت الارضی و درونی زمین بوجود آمده و حرکت طبقات مرجانی در سطح آن از چهارده هزار سال پیش تاکنون این جزیره را در پهنه خلیج فارس نمودار ساخته است. ارتفاع متوسط آن از سطح دریا حدود ۳ متر است و از نظر موقعیت جغرافیایی در ۲۹ درجه و ۱۵ دقیقه عرض شمالی و ۵۰ درجه و ۲۰ دقیقه طول

جزیره خارگ در ۵۷ کیلومتری شمال غربی بوشهر، ۳۰ کیلومتری غرب بندر ریگ و ۳۵ کیلومتری غرب بندر گناوه واقع شده است. این جزیره دارای موقعیت استراتژیکی خاصی است که باعث شده در ادوار مختلف تاریخی تاکنون مورد توجه اقوام و ملل گوناگون باشد. در آن آثاری از دوره هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان باقی مانده است که مهمترین آنها گور معبد پالمیریان و کلیسای نسطوریان میباشد. علاوه بر این، در جزیره خارگ آثار باستانی بسیاری مربوط به دورههای مختلف وجود دارد که عبارتند از: پلان یک آتشکده، قبور دلمن، قطب نما سنگی، گور سنگی، نقش کنده یک نوع بازی باستانی در ساحل صخره‌یی جزیره و کتیبه هخامنشی. پژوهش حاضر به شیوه میدانی و مطالعات کتابخانه‌یی بر آنست تا به بررسی جغرافیای تاریخی این جزیره و نیز معرفی آرامگاهها و بناهای مذهبی آن بپردازد.

کلیدواژگان: خلیج فارس؛ جغرافیای تاریخی؛ جزیره خارگ؛ گور معبد؛ ساسانیان

مقدمه

جزیره خارگ دقیقاً معلوم نیست که در چه دوره باستانی (تاریخی) مسکونی شده است. تا به امروز تمام آثار کشف شده در این جزیره مربوط به دورههای ایلامی، هخامنشی،

۱. کارشناس اداره کل میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر
۲. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دوران اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، نویسنده مسئول؛ moslem.rezaei@gmail.com



تصویر شماره ۳: جزیره خارگ؛ google earth

وجه تسمیه

جزیره خارگ از روزگار کهن ایکار، ایکاره، آرکیا، خاری، خارکس، ایکاریوس، خارگو و خارگ نامیده شده است. دریانوردان محلی در سروده‌های خود این جزیره را خاری میخواندند. یونانیان آن را ایکاروپلین، نویسنده رومی سده اول میلادی و کلورپتولمه، آرکیا خوانده‌اند (گیریشمن، ۱۳۴۴: ۶-۷). جغرافی نویسان اسلامی که آثارشان از قرن سوم هجری بعد در دسترس ماست همه نام این جزیره را «خارگ» آورده‌اند. ابواسحاق فارسی نویسنده قرن سوم هجری آن را «خارگ» دانسته و نویسنده ناشناس *حدود العالم فی المشرق الی المغرب* (تألیف ۳۷۲ ه.ق) نیز این اسم را به همین صورت آورده است (*حدود العالم*، ۱۳۸۳: ۱۴). ابن حوقل نویسنده قرن چهارم هجری، به تبعیت از ابن خردادبه جغرافی‌نویس قرن سوم هجری و ابوریحان بیرونی بنقل از ابواسحاق فارسی همه عین همان کلمه را نام جزیره ذکر کرده‌اند. ابن بلخی نویسنده *فارسنامه ناصری* تألیف ۵۰۰ تا ۵۱۰ ه.ق نیز به همین اسم اشاره دارد، اما یاقوت حموی یک قرن و اندی پس از این تاریخ در *معجم البلدان* خود «خارگ» را به صورت «خارگ» آورده یعنی با فتحه. حمدالله مستوفی، نویسنده قرن نهم هجری نیز به همین اشاره دارد، اما دو سه قرن بعد از وی در *فارسنامه ناصری* و نیز در آثار عجم، خارگ تبدیل به «خارگ» شده است. از قرن دهم تا سیزدهم هجری ابتدا پرتغالیها و سپس هلندیها و فرانسویها و در آخر انگلیسیها به خلیج فارس پا گذاشتند و چون تلفظ «خارگ» برای این اقوام مشکل بود، از اینرو لذا برای آسانتر کردن تلفظ، آن را تبدیل به «خارگ» نمودند.

شرقی قرارداد (امانی، ۱۳۸۹: ۵). با چنین فاصله نزدیکی، جزیره خارگ به طبع پایگاهی بوده است در مقابل دشت وسیعی که از کازرون تا بوشهر ادامه دارد و از بندر دیلم تا خورموج (در امتداد شمال غربی - جنوب شرقی) کناره دشت تنگستان را در برمیگیرد. جزیره بشکل دوزنقه‌یی نامرتب است که امتداد طول آن بروی نقشه عمودی است؛ یعنی در امتداد شمال به جنوب قرار گرفته است (آل احمد، ۱۳۶۱: ۵۰).



تصویر شماره ۱: موقعیت جزیره خارگ؛ google map



تصویر شماره ۲: موقعیت جزیره خارگ در نقشه ایران؛ سازمان جغرافیایی کشور

«خارگ» را در «آرکیا» نمیتوان یافت چون این دو با هم فرق دارند و یکی نیستند. همانطور که کوه بلندی را که وقف نپتون بوده است در جزیره خارگ نمیتوان دید، زیرا بلندترین نقطه جزیره خارک یعنی محل «دیده‌بان» از سطح دریا تنها در حدود ۹۰ متر ارتفاع دارد و چنین ارتفاعی نمی‌تواند کوهی بس بلند باشد (قائم‌مقامی، ۱۳۵۲: ۱۹۱-۱۹۳).

جغرافیای تاریخی جزیره

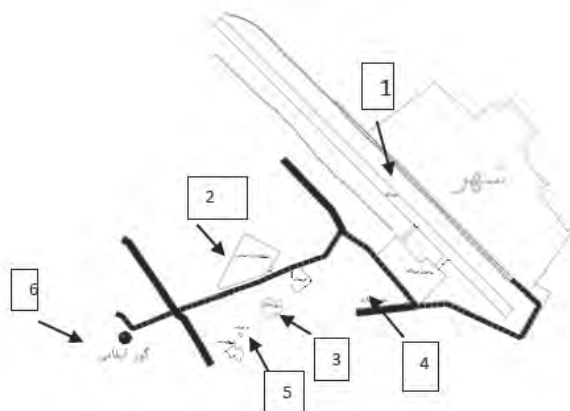
بعضی از تاریخ‌نگاران بر این باورند که جزیره خارگ از ۵۰۰۰ ق.م یکی از پایگاه‌های دوردست امپراطوری ایلام بوده، زیرا با کشتیهای بادیه‌ساز تا چهار ساعت با بندر بوشهر فاصله دارد و قلمرو حکومت ایلام که پایتخت آن شهر شوش بوده تا حدود کرانه‌های دریای پارس در این نواحی میرسیده است و باستانشناسان فرانسوی، خشتهایی در بوشهر یافته‌اند که بروی آنها نوشته‌هایی درباره پادشاهی ایلام (عیلام) منقوش است (افشار سیستانی، ۱۳۷۶: ۵۲۷).

رمان گیریشمن فرانسوی در نشریه شرکت ملی نفت ایران در مقاله‌یی تحت عنوان «منابع تاریخی» در خصوص جغرافیای تاریخی خارگ قبل از اسلام چنین مینویسد: «منابع تاریخی که از خارگ نام می‌برند، قدیمی‌تر از قرن اول پیش از میلاد نیست، ولی بدین دلیل نمیتوان گفت که در اعصار پیشین از وجود آن (یعنی جزیره خارگ) بی‌خبر بوده‌اند. احتمالاً از دیرباز دریانوردان آن را مد نظر قراردادده بودند» (گیریشمن، ۱۳۴۴: ۴). نثارک، دریا سالار مقدونی، با کشتیهای خود از دهانه رود سند حرکت کرد تا به فرات برسد. او در این سفر دریایی به جزیره خارگ برنخورد، اما هنگام رسیدن به فرات، به یکی از همرامانش بنام آندرستن دستور داد جستجو در خلیج فارس را به پایان برساند (زارعی، ۱۳۸۷: ۱). استرابون نویسنده سده اول قبل از میلاد میگوید: «آندرستن انتهای خلیج فارس را دور زده به جزایر ایکار که گویی به ساحل میرسد، رسید و در آن جزایر معبد آپولون و یکی از هاتفان آرتیمیس توروپل را یافت». بنابراین میتوان پنداشت جزیره‌یی که آندرستن دور زده است همان ایکاریوس باشد که بدون شک نام برگردانیده به یونانی جزیره خارگ است (گیریشمن، ۱۳۴۴: ۶-۷). اعتماد السلطنه در کتاب *مرآة البلدان* مینویسد:

آل احمد در مورد وجه تسمیه خارگ توضیح میدهد: جزیره خارگ پوشیده از سنگهایی است که بگمان پیشینیان میتوانسته خار باشد. اما دو سه سده بعد در *فارسانامه ناصری* و نیز در *آثار العجم*، این نام ضبط دیگری پیدا کرده است. در اسناد مالکیتی که به زبان عربی در دست حاج حسن عماد خارگی، معروف به خان بهادر بود، دید که به ازای خارگ «خارج» و به ازای خارگو «خویرج» ضبط کرده بودند. اگر در نظر داشته باشیم که ضمه یا واو اشباع شده در آخر کلمات فارسی علامت تصغیر در لهجه‌های جنوبی است، روشن میشود که (خویرج) نیز مصغر عربی «خارج» است و نیز افزایش (بنقل از رسولی پسر کدخدای خارگ) که عبدالوهاب گنمی (قطامی) در کتاب *راهنمای دریایی خود*، صفت منصوب به خارگ را «خاری» و منسوب به خارگو را «خویری» ضبط کرده است (آل احمد، ۱۳۶۱: ۲۷ و ۲۹).

علی اکبر سرفراز در اینباره نقل دیگری دارد: استرابون از جزیره‌یی بنام آرکیا و ایکاریوس نام میبرد که بعضی از تاریخ‌نویسان اشتباه کرده و آن را به جزیره خارگ نسبت میدهند، در حالیکه با توجه به شباهتهای زیادی که با جزیره فیلیکیه کویت دارد، این نام را به جزیره داده‌اند در حالیکه این نام از برای جزیره فیلیکیه است (سرفراز، ۱۳۸۸: ۳۹-۵۲).

علاوه بر سرفراز، سیف‌الدین قائم‌مقامی نیز نسبت دادن نام ایکاریوس یا آرکیا به این جزیره را علمی نمیداند. وی ضمن تحقیق و تفحصی دقیق مینویسد: باید تمامی مطالبی را که استرابون در خصوص جزیره ایکار یا ایکاریوس، معبد آپولون و یکی از هاتفان آرتیمیس توروپل نوشته و آنچه که گیریشمن از این مطالب نتیجه گرفته، نادیده گرفت. اینجا دو سؤال مطرح میشود: اول اینکه چگونه نام ایکار یا ایکاریوس به خارگ تبدیل شده که با هیچ یک از قواعد جاری زبان‌شناسی و نام‌شناسی تطبیق ندارد. دوم اینکه خلیج فارس که برای یونانیان جایی ناشناخته بوده و برای اولین بار نثارک و همرامانش زحمت کشف آن را بخود داده‌اند، پس چطور معبد آپولون و یکی از هاتفان آرتیمیس به توروپل قبلاً در آنجا پیدا شده‌اند؟ برخلاف نظر گیریشمن از دیدگاه علم نام‌شناسی، ریشه نام امروزی



شکل شماره ۱: کروکی محلی که گور عیلامی در آن قرار داشت؛
(نگارنده: ۱۳۹۳)، ۱. فرودگاه ۲. دانشگاه آزاد ۳. بیمارستان
۴. مهمانسرای ۹۰ خوابه ۵. آموزشگاه شرکت نفت ۶. گور ایلامی

حفره‌های سنگی (استودانهای سنگی)

این حفره‌ها در مجاورت مخازن آب و در دامنه یک تپه و جایی که دامنه تپه صخره‌مانند و دارای یک شیب ملایم است، واقع شده است که شامل ۱۰۰ استودان یا قبور سنگی میباشد و جهت آنها شرقی - غربی است. میانگین عرض و طول قبور $۱ \times ۱/۹۰$ متر میباشد. برخی بصورت ردیف ۶، ۷ و ۸ تایی که درست چسبیده بهم و در یک ردیف کنده شده‌اند و تعدادی هم بصورت پراکنده هستند، ولی در مجاورت همدیگر ساخته شده‌اند. از میان این ۱۰۰ استودان، سه استودان بصورت شمالی - جنوبی در دل سنگ کنده شده‌اند؛ البته این سه استودان در انتهای شمالی این مجموعه قرار گرفته و شاید یک تدفین متفاوت از دیگر استودانها باشد. اکثر قبور پر از خاک و سنگ بوده و بر اثر عوامل جوی و همچنین عوامل انسانی تخریب شده و در برخی موارد فقط بخش اندکی از قبور سالم باقی مانده است. البته به این هم باید اشاره کرد که کوچکترین استودان در این مجموعه واقع شده است. در مجاور این گورستان بفاصله ۵۰ متری غرب آن امامزاده میرمحمد قرار گرفته و همچنین در فاصله خیلی کم در حدود ۱۰ متری شرق آن آب انباری قرار دارد. آثار قطعات سفال بصورت پراکنده در زمینهای اطراف آن مشاهده میشود. با توجه به نوع تدفین و آثار سفال و همچنین آثار همجوار آن و شبیه بودن این استودانها به استودانهای بندر سیراف، میتوان این گورستان را مربوط به دوره ساسانی دانست.

یک خلیجی از دریا تا آنجا ممتد است که کشتیها بواسطه آن به شهر واصل میشوند. روبرو در دریا جزیره خارگ است. از این شهر که از طرف شمال به بصره میروند شهر اول مهربان است و از سمت جنوب اگر بروند شهر سینیز است. بندر شهر با اینکه چندان معتبر نیست باز لنگرگاه کشتیهاست. بعضی میگویند این اسم از جنابه ابن طهمورث اخذ شده چنانکه در لفظ فارس بیاید. سکنه آب چاه میخورند و آب چاهشان خیلی شور است. حزمی محل این شهر را در بحرین مابین مهربان و سیراف تعیین کرده ولی این سهو عظیم است؛ زیرا که این سه شهر از فارس است و بحرین در خاک عربستان آن طرف دریا واقع است. امیر- ابو نصیر (؟) هم همین سهو را کرده و یحتمل که این سهو ابونصیر مایه و اسباب خبط حزمی شده باشد. از جنابه تا سیراف پنجاه و چهار فرسخ است (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ۴/۲۲۵۸).

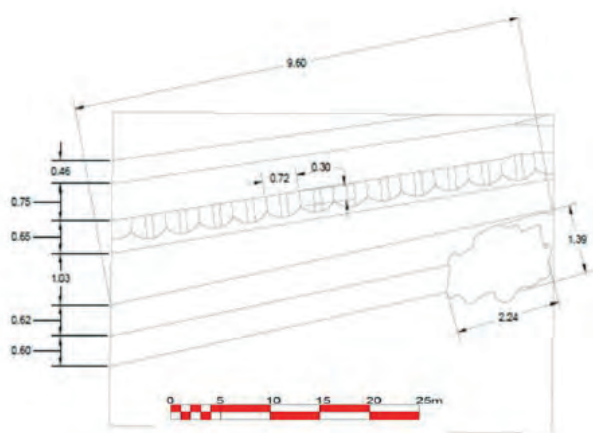
آثار و محوطه‌های تاریخی جزیره خارگ

علاوه بر اماکن ثبتی، آثار و بقایای بسیاری از اقوام پیشین این جزیره باقی مانده است که از آنها میتوان به بقایای قبور مشابه قبور مگالتیک (مربوط به هزاره اول قبل از میلاد)، آتشکده و چهار طاقی و آتشدان مربوط به دوره ساسانی و استودانهای مربوط به اقوام زرتشتی اشاره داشت.

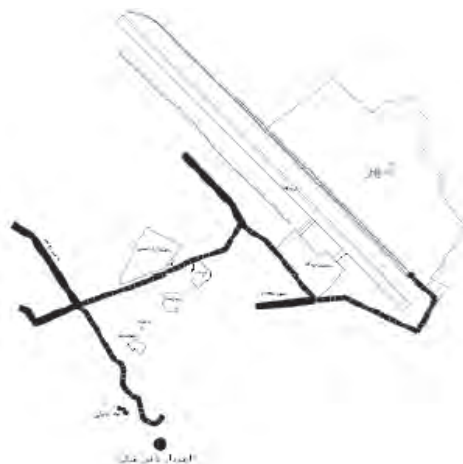
گورها یا قبرستانهای دوره تاریخی جزیره گور ایلامی (عیلامی)

این اثر روی کوهی در مجاورت امامزاده میر محمد حنویه، واقع شده است. «گیریشمن معتقد است این اثر نمونه‌یی از گورهای دلمن بوده و متعلق به هزاره یکم پیش از میلاد (در حدود ۳۰۰۰ ق.م) است.

طبق گفته سرفراز این اثر نمونه‌یی از تدفین ایلامی در مناطق کوهستانی است که از اولین گروه‌های مهاجر به این جزیره میباشد. این تخته سنگها در این جزیره به «دو خواهر» معروف است (امانی، ۱۳۸۹: ۴۱ - ۴۲). متأسفانه بدلیل خاکبرداریهای شرکت نفت در گذشته، مدتی است اثری از این تخته‌سنگها دیده نمیشود.



شکل شماره ۴: طرحی از نقوش کنگره‌یی گور معبد؛
(نگارنده: ۱۳۹۳)



شکل شماره ۲: کروکی حفره‌های سنگی؛ (نگارنده: ۱۳۹۳)



تصویر شماره ۵: نمونه‌یی از نقوش کنگره‌یی گور معبد؛
(نگارنده: ۱۳۹۳)



شکل شماره ۳: پلان حفره‌های سنگی؛ (نگارنده: ۱۳۹۳)



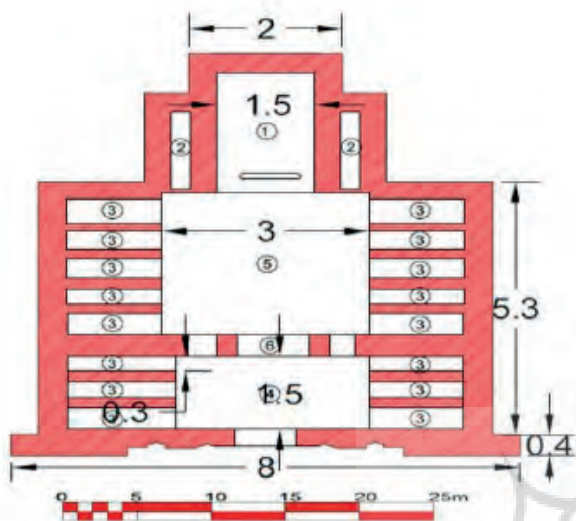
تصویر شماره ۴: حفره‌های سنگی؛ (نگارنده: ۱۳۹۳)

علاوه بر نیایش و انجام مراسم مذهبی، اجساد را در تابوتهای چوبی قرار داده و در گور معبدها نگهداری میکردند. جایگاه تابوتهای بصورت کشویی ساخته شده‌اند که وضع ظاهری آنها گویای این است که این تابوتهای ثابت نبوده و در موقع لزوم میتوانستند بسادگی جابجا شوند و به مکان دیگری که شاید همان موطن اصلی پالمیریان بوده انتقال یابند. نمای دخمه شرقی که تقریباً دست نخورده با برجستگیهای دندانه‌دار و ستونها نشان از عوامل معماری اشکانی (پارتی) و ساسانی دارند. قفسه‌های نگهداری اجساد این گور معبدها شبیه قفسه‌های نگهداری اجساد در پزشک قانونی میباشد. در کنار این دخمه‌ها حفره‌های نیمه‌کاره‌یی وجود دارد که نشان از ادامه این گور معبد داشته ولی به بعضی دلایل نیمه‌کاره مانده است.

گور معبد (قبور پالمیران)

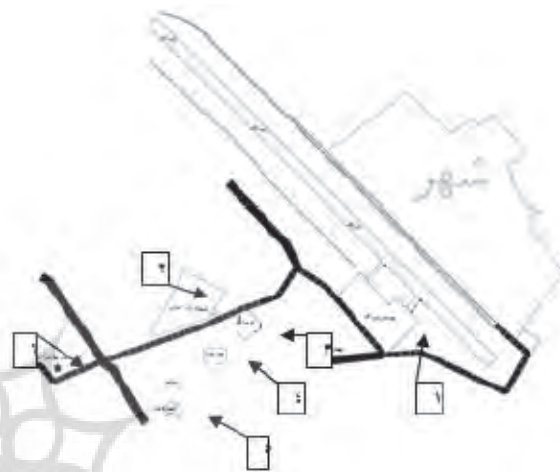
این گور معبد در ضلع شرقی محوطه امامزاده میرمحمد حنفیه و تقریباً در مرکز جزیره واقع شده است. اقوام پالمیری در این جزیره از بناهای معروف به گور معبد برای قراردادن اجساد جهت امانت گذاشتن و نیایش استفاده میکردند. تصور میشود این بناها برای هر دو منظور بکار میرفته است؛ یعنی

بصورت نواری افقی پوشش میدهد. در زیر این نقوش در یک سطح افقی سوراخهای متعددی وجود دارد که برخی بر این باورند که در موقع لزوم مشعل را در آن میگذاشتند.



شکل شماره ۶: پلان آرامگاه شمالی؛ (نگارنده: ۱۳۹۳)
 ۱. ایوان مقابل یا بخش انتهایی ۲. حفره‌های مجاور ایوان مقابل ۳. لوکولی جهت نگهداشتن اجساد ۴. طاق ۵. محوطه اصلی ۶. محوطه فرعی

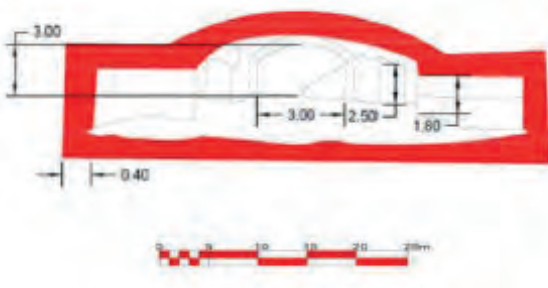
کف این بنا بر اثر فرسایش طبیعی بمرور زمان تحلیل رفته است و باعث فاصله پیدا کردن کف از بدنه اصلی شده که این میتواند سبب تخریب بنا گردد، ولی شرکت نفت با اقدام بموقع و زدن پایه‌های سیمانی مانع از تخریب بنا شده است. موقعیت این گور معبد نیز بصورتی است که مثل یک پادگان نظامی در دوره ساسانی دریای پارس را زیر نظر داشته است.



شکل شماره ۵: کروکی معبد پالمیریان؛ (نگارنده: ۱۳۹۳)

آرامگاه شمالی

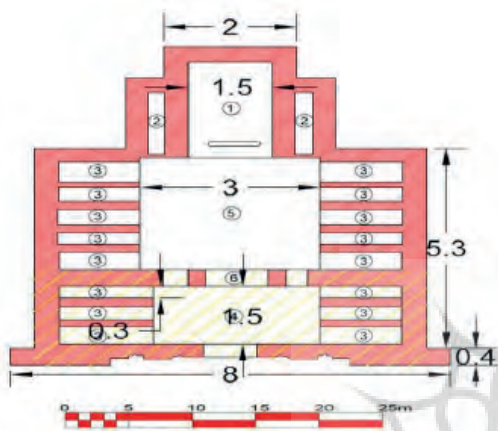
محوطه داخلی آرامگاه
 نمای داخلی آرامگاه تقریباً بصورت صلیبی شکل ساخته شده و به سه قسمت تقسیم میشود: قسمت اول راهرویی است که به ابعاد 4×2 متر که در سمت مدخل ورودی استودانهایی (قبر) مکعب شکل ساخته شده، که بصورت سه ردیف سه تایی هستند و طول هر یک $1/90 \times 1/90$ متر و ارتفاع آنها ۵۶ سانتیمتر میباشد. در بین قبور شیارهای طولی بصورت نواری بعرض ۴ سانتیمتر ایجاد شده که تابوت براحتی بر روی آنها حرکت درمی‌آید.



شکل شماره ۷: نمایی از داخل آرامگاه؛ (نگارنده: ۱۳۹۳)

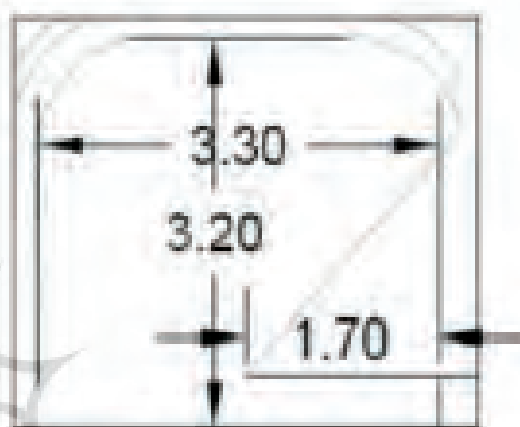
در دو طرف در ورودی این آرامگاه نقشه‌های برجسته‌یی دیده میشود که بنظر میرسد از آنها برای تعیین فصل سال یا بعنوان ساعت آفتابی استفاده میشده است. نمای ورودی این آرامگاه بسمت مشرق ساخته شده است. ارتفاع و عرض مدخل ورودی آرامگاه ۱۵ متر و ۱۰۷ سانتیمتر میباشد. در دو طرف مدخل ورودی دو ستون قرینه بصورت همراه یک ایوان وجود دارد؛ بدینصورت که ایوان در وسط و دو ستون در جانبین بشکل برجسته حجاری شده‌اند. ارتفاع ستونها ۱۳۱ سانتیمتر و قطر آنان ۲۹ سانتیمتر است. ساقه ستونها ساده و بدون کنده‌کاری میباشد، ولی در بخش بالایی و سرستون بصورت خط موازی و شیاردار تزیین شده‌اند. قوس ایوان با دو ردیف نوار تزیینی دنداننه موشی بصورت برجسته و موازی با هم تمام قوس ایوان را در بر میگیرند. در مرکز ایوان نما، پنجره نمای کوچکی به ابعاد 83×111 سانتیمتر بصورت مستطیل ایجاد شده که بدین ترتیب تناسب تزیین زیبایی را پدید آورده است. علاوه براین، پنجره نمای دیگری به ابعاد 31×40 سانتیمتر درست در کنار درب ورودی در گوشه سمت راست و چپ آن

شمالی دارد. بنظر میرسد ورودی این آرامگاه عمداً تخریب شده و هم اینک از لوله‌های فلزی بجای ستونهای سنگی برای نگهداری سقف استفاده میشود. دیوار بالایی ورودی دارای یک نوار تزیینی دندانانه موشی است. در سمت راست و چپ مدخل ورودی بصورت قرینه استودانهایی در سه طبقه ساخته شده که در مجموع گنجایش ۹ جسد را داشته است (زارعی، ۱۳۸۷: ۳۰).

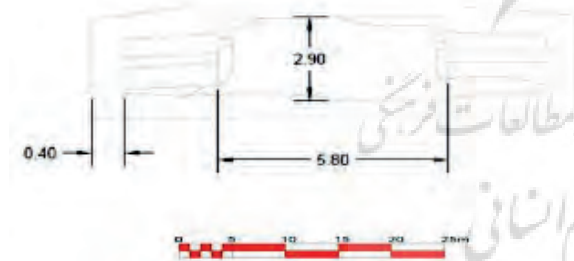


شکل شماره ۹: پلان آرامگاه جنوبی؛ (نگارنده: ۱۳۹۳)
 ۱. ایوان مقابل یا بخش انتهایی ۲. حفره‌های مجاور ایوان مقابل
 ۳. لوکولی جهت نگهداشتن اجساد (محوطه هاشورزده تخریب شده است)

بعد از صحن مرکزی که در حقیقت قسمت دوم آرامگاه میباشد، ایوان این آرامگاه بصورت یک محراب در مقابل مدخل ورودی قرار دارد، بطوری که هرکسی وارد این معبد میشود، اول متوجه ایوان میشود. در دو طرف ایوان یک ردیف استودان دو طبقه بصورت قرینه قرار گرفته که اندازه و ابعاد آن مانند سایر قبور میباشد. در این بخش نیز ۴ استودان که گنجایش ۴ جسد را داشته، کنده شده است.



شکل شماره ۸: کروکی ایوان انتهایی یا مقابل در ورودی معبد شمالی؛ (نگارنده: ۱۳۹۳)



شکل شماره ۱۰: نمای داخلی آرامگاه جنوبی؛ (نگارنده: ۱۳۹۳)

بخش انتهایی آرامگاه

در بخش انتهایی آرامگاه که در مقابل مدخل ورودی قرار گرفته، نمای بزرگی بشکل ایوانهای دوره ساسانی ساخته شده است. در بخش مرکزی این ایوان نما نقش برجسته‌یی حجاری شده که هم اینک چیزی از آن باقی نمانده است و فقط قسمت کمی از پایه تخت و تزیینات آن دیده میشود. حماسه استودان بزرگ در سمت راست این ایوان کنده شده که سردر آنها دارای تزیینات دندانانه موشی است. در سمت



تصویر شماره ۶: ایوان انتهایی یا مقابل در ورودی معبد شمال؛ (نگارنده: ۱۳۹۳)

آرامگاه جنوبی

آرامگاه جنوبی در سمت چپ و بفاصله کمی از آرامگاه شمالی قرار دارد و از لحاظ ساختاری شباهت زیادی به آرامگاه

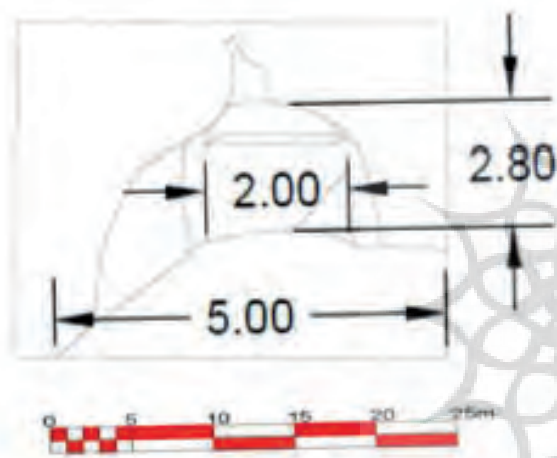


تصویر شماره ۸: دخمه مجاور آرامگاه جنوبی؛ (نگارنده: ۱۳۹۳)

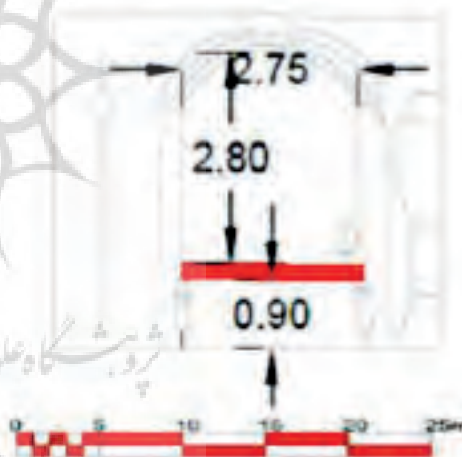
چپ ایوان نیز یک استودان دیگر کنده شده که بسبک دیگر استودانهای آرامگاه میباشد. در مجموع این آرامگاه گنجایش ۴۳ جسد را داشته است. سقف آرامگاه بصورت قوسی ایجاد شده و هیچ دریچه یا تزیینی ندارد.



تصویر شماره ۷: بخش انتهایی آرامگاه جنوبی؛ (نگارنده: ۱۳۹۳)



شکل شماره ۱۲: طرح دخمه مجاور آرامگاه جنوبی؛ (نگارنده: ۱۳۹۳)



شکل شماره ۱۱: بخش انتهایی آرامگاه جنوبی؛ (نگارنده: ۱۳۹۳)

گورستان زرتشتیان و مسیحیان

در نزدیکی مقبره علمدار و در قسمتی از کوهستان جزیره خارگ قبرهای زیادی وجود دارد که با توجه به عمق کم و سطح مدور برخی از آنها، این قبرها را میتوان به زرتشتیان نسبت داد. بر روی بعضی از قبرها که مدخلهای کوتاهی دارند نقش صلیب وجود دارد که نشان میدهد که مسیحیان نیز مرده‌های خود را در آنها بخاک میسپردند. باستانشناسان حدود قبر را در گورستانی در قسمت خاوری جزیره شکافته‌اند که همگی به اواخر دوره ساسانی مربوط است. در گور مردان چیزهایی بدست نیامده ولی در قبر زنان شیشه‌های کوچکی که احتمالاً در آن عطر میریختند و همچنین جواهرات کم‌ارزشی همانند حلقه انگشتری و آینه‌های مفرغی پیدا شده است (همان: ۵۰). البته این گورستان بدلیل ساخت‌وسازهای شرکت نفت در گذشته از بین رفته است.

دخمه مجاور آرامگاه جنوبی

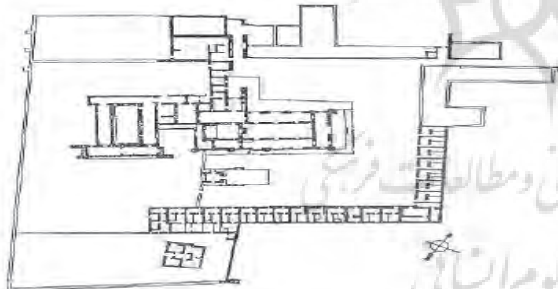
یک دخمه بسیار بزرگ بطول و عرض $3/70 \times 2/5$ متر و ارتفاع $2/20$ متر در مجاورت آرامگاه جنوبی و در فاصله ۳ متری جنوبی آن وجود دارد. یک استودان با طول و عرض $2/15 \times 65/0$ متر و ارتفاع ۶ سانتیمتر در انتهای این گوردخمه کنده شده که جهت این استودان شمالی - جنوبی است. با ادامه این مسیر بطرف گوردخمه بزرگ و با یک چرخش ۹۰ درجه رو بشمال و در حاشیه پایین کوه بیش از ۱۱ گوردخمه کوچک دیده میشود.



تصویر شماره ۹: قسمتی از پی آتشکده زرتشتیان؛ (نگارنده: ۱۳۹۳)

کلیسای نسطوریان

این کلیسا در شرق جزیره و در کنار دریا و از سنگ و ملاط گچ ساخته شده و دارای سه صحن است که به سبک معماری ساسانی ساخته شده است و نمای آن رو به شمال می‌باشد. بخش میانی آن از بخشهای جانبی بزرگتر بوده و دیوارهای خارجی آن با گچ اندود شده است. تزیینات حجاری شده این بنا به بنای طاق‌بستان کرمانشاه، شباهت دارد. از اینرو میتوان گفت که این کلیسا در حدود سده پنجم یا ششم میلادی بنا شده است (همان: ۱۳۸۹: ۴۲).



شکل شماره ۱۵: پلان کلیسای نسطوریان؛ (آرشیو میراث فرهنگی استان بوشهر)

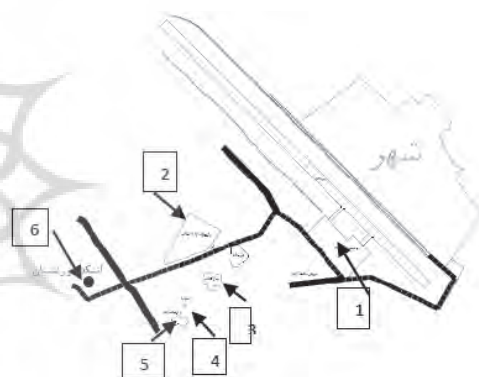


تصویر شماره ۹: نمایی از کلیسای نسطوریان؛ (نگارنده: ۱۳۹۳)

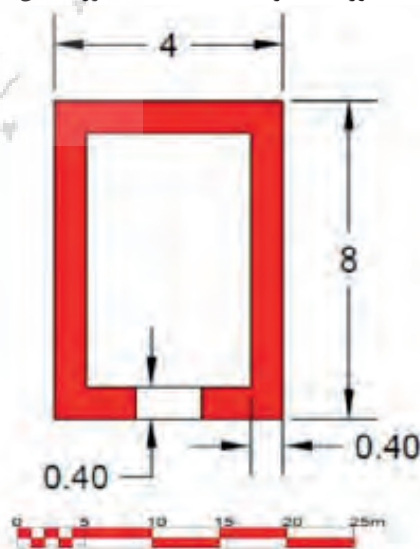
بناهای مذهبی دوره تاریخی جزیره

آتشکده زرتشتیان

با توجه به آثار موجود در ضلع شرقی بقعه امامزاده میرمحمد حنفیه آتشکده‌یی مربوط به دوره ساسانی وجود داشته که بطور کامل تخریب شده است و در حال حاضر بر روی پی آن، اتاقی سیمانی جهت تأسیسات زلزله‌نگاری ساخته شده است. اینطور که از شواهد پیداست مصالح این بنا سنگهای مرجانی و گچ ساروج بوده است، البته در حال حاضر بجزء یک پی که بسختی قابل تشخیص است چیزی از آن باقی نمانده است. «برخی از محققین معتقدند این آتشکده متعلق به زرتشتیان بوده است و همزمان با سلطنت هرمز، شاه ساسانی، ساخته شده و تا قرن هفتم میلادی که ایرانیان به اسلام گرویدند، دارای اعتبار و شکوه خاصی بوده است» (امانی، ۱۳۸۹: ۴۱).



شکل شماره ۱۳: کروکی آتشکده زرتشتیان؛ (نگارنده: ۱۳۹۳)
 ۱. فرودگاه ۲. دانشگاه آزاد ۳. بیمارستان ۴. مهمانسرای ۹۰ خوابه
 ۵. آموزشگاه شرکت نفت ۶. آتشکده زرتشتیان

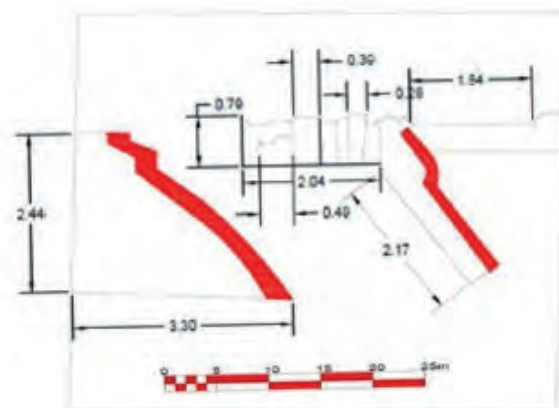


شکل شماره ۱۴: پلان آتشکده زرتشتیان؛ (نگارنده: ۱۳۹۳)

زاویه شمالی صومعه بنا شده و ظاهراً در آن کشیش اعظم بسر
میبرده، ممکن میساخته است (همان: ۸۶۸-۸۶۹).

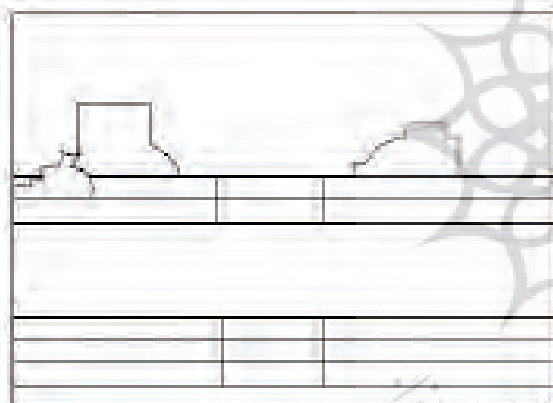


تصویر شماره ۱۰: راه ورود به صومعه کلیسا؛ (نگارنده: ۱۳۹۳)



شکل شماره ۱۶: تراس کلیسا؛ (نگارنده: ۱۳۹۳)

تزیینات این بنا قبل از تخریب به اینصورت بود که در صحن، جای گروه خوانندگان و دیوارهای خارجی اطاق صندوق خانه و خزانه را با گچ اندود کرده بودند. نقش‌مایه اصلی عبارت است از یک رشته نقوش هندسی و گیاهی برجسته و گرد که بالای کنگره‌هایی رسم شده است. جاهای دیگر چندین برگ خرما قسمتهای فوقانی دیوارها را زینت بخشیده است. بر درهای میان قسمتهای سه‌گانه صحن صلیب نسطوری که طرح آن برای نخستین بار تأیید میگردد، قرار دارد. تزیینات گل و بوته‌یی ماریچی و شاخ و برگی موزون ساخته از گچ، با تزیینات حجاری شده بنای طاق بستان شباهت دارد و از همین جا میتوان تاریخ بنای صومعه و کلیسا را تا قرن پنجم یا ششم حدس زد (اقتداری، ۱۳۵۷: ۸۶۸). اما امروزه بدلیل تخریب کلیسا در سالهای اخیر بر اثر عوامل جوی و بی‌توجهی مسئولین چیزی از تزیینات این بنا باقی نمانده است.



شکل شماره ۱۷: پلان راه ورود به صومعه کلیسا؛ (نگارنده: ۱۳۹۳)

صومعه

اطراف صحن و جای گروه خوانندگان میدانگاه‌های بزرگی است که به سه جناح صومعه که خود دیوار خارجی را تشکیل میدهد، منتهی میشود. صومعه دارای تقریباً شصت حجره است که هر یک دارای سه قسمت کوچک میباشد که یکی از آنها جای خواب بوده و در آنجا بستری از سنگ و گچ به بلندی پانزده سانتیمتر از سطح وجود داشته است. تمام درهای ورودی حجره‌ها بطرف میدانگاه باز میشود مگر یکی از درها که رو به خارج باز میگردد و احتمالاً در اینجا دریانی قرار داشته است. این در آخری، ارتباط با اتاقی را که نزدیک

خانه‌های کشیشان

در صد متری کلیسا، چندین ویرانه کوچک به فواصل زیاد از یکدیگر دیده میشود.

این خانه‌ها دارای چندین پستو برای انبار و آشپزخانه و چهار اطاق در اطراف راهرویی و گرداگرد حیاط بودند. از آنجایی که کشیشان نسطوری باید ازدواج میکردند، آنهایی که با خانواده‌شان به سر میبردند، به فاصله‌یی از صومعه مسکن داشتند و فرائض الهی را در کلیسا بجای می‌آوردند (همان: ۸۶۹).

نتیجه‌گیری

جزیره خارگ با وجود منابع آب زیرزمینی و گور ایلامی که احتمالاً شبیه یک نوع تدفین ایلامی در سرزمین ایران بوده، در دوره ایلامی مسکونی شده است. در زمانی که این گور توسط گیریشمن شناسایی شد، دو اسکلت در این گور وجود داشته که این ثابت میکند این جزیره در دوره ایلامی مسکونی شده است. دلیل دیگر این است که در زمان ایلامیان بدلیل نزدیکی این جزیره با بندرهای بوشهر، گناوه و ریگ، ساکنان این سه بندر و جزیره دارای قایقها یا کلکهای بادبانی بوده و با هم داد و ستد میکردند. این احتمال وجود دارد که استقرار حکومت‌های ایران باستان در جزیره خارگ برای نظارت بر خلیج فارس بوده است. با مطالعه و بررسی آثار میتوان به این نتیجه رسید که از زمان ایلامیان بخاطر موقعیتی که این جزیره در خلیج فارس داشته از آن بعنوان پادگانی برای نظارت و حکمرانی بر خلیج فارس استفاده میشده است و افرادی که بعنوان مرزبان در این جزیره سکونت داشتند، بعدها بعنوان بومیان جزیره شناخته شدند. در زمان هخامنشیان افرادی که در جزیره زندگی میکردند از وجود آب زیرزمینی خبر نداشتند و در حرفه کشاورزی مهارتی نداشتند. با آمدن اولین کشتی هخامنشی به این جزیره و حفر چاه برای تأمین آب، این جزیره آباد شد و اهالی آن از آب زیرزمینی برای کشاورزی استفاده کردند. در زمان اشکانیان جمعیتی از پالمیریان به این جزیره مهاجرت کردند و به تجارت و کشاورزی مشغول شدند و برای خود معبدی نیز ساختند و در آخر در زمان ساسانیان عده‌یی از مسیحیان که از ظلم امپراطوری به سطوح آمده بودند به این جزیره آمدند و بدلیل ترس از بومیان جزیره که در غرب جزیره ساکن بودند در شرق آنجا و در کنار دریا برای خود کلیسایی ساختند و در آن مکان ساکن شدند و با کشاورزی امرار معاش میکردند. آنها بعدها بسبب نزدیکی به سرزمین اصلی ایران مجبور به استفاده از احکام مسیحیان ایران شدند و به همین خاطر به مسیحیان نسطوری معروف گشتند. با بررسیهای انجام شده معلوم شد که کشتیهای تجاری و نظامی که در خلیج فارس در حال رفت و آمد بودند، بیشتر برای تهیه آب و آذوقه در کنار این جزیره پهلو میگرفتند و سپس به حرکت خود ادامه میدادند.

منابع

- آل احمد، جلال؛ جزیره خارگ- دُر یتیم خلیج فارس، تهران: چاپ سپهر، چاپ اول، ۱۳۶۱.
- اعتماد السلطنه، محمد حسن بن علی؛ مرآه البلدان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، جلد چهارم، ۱۳۶۷.
- افشار (سیستانی)، ایرج؛ جغرافیای تاریخی دریای پارس، تهران: نشر حوزه هنری، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- اقتداری، احمد؛ آثار باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان، نشر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۵۷.
- امانی، عبدالله؛ از آراکیده تا خارک، خارک: انتشار شهرداری جزیره خارک، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- حدود العالم من المشرق الى المغرب؛ مقدمه بارتولد، تعلیقات مینورسکی، ترجمه میرحسین شاه، تصحیح و حواشی مریم میراحمدی و غلامرضا ورهام، چاپ دوم، تهران: دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۳.
- زارعی، حمید؛ بررسی و شناسایی آثار باستانی جزیره خارگ، بوشهر: نشر میراث فرهنگی استان بوشهر، ۱۳۸۷.
- سرفراز، علی اکبر؛ «خلیج فارس بر اساس مطالعات باستان شناسی»، باغ نظر، سال ششم، شماره یازده، ص ۳۹-۵۲، ۱۳۸۸.
- قائم مقامی، سیف الدین؛ «سخنی چند درباره جزیره خارگو آثار باستانی آن»، مجله بررسیهای تاریخی، شماره ۴۷، ص ۱۸۱-۲۰۶، ۱۳۵۲.
- گیریشمن، رومن؛ جزیره خارگ، تهران: شرکتهای عامل نفت ایران، ۱۳۴۴.

منابع اینترنتی

- Google map
- Google earth